



سرعت سیر - راحتی - استحکام

از خصایص اتومبیل خوب است. در اتومبیل فیات تمام خصایص فوق یافت می شود.

بعلاوه این که مخارج اسباب یدکی هم

به‌چونجه ندارد. در مصرف بنزین (فیات)

به حدی صرفه جویی می کند که دارنده آن

متعجب می ماند. نماینده برای تمام ایران

دکتر کارلو مارویو - طهران میدان سپه

تلفن ۱۶۵۷

## تَیجِ پَی

تهیه و تنظیم: حسن مجیدی

## تصویب قانون تعیین حدود

## دریاهای ایران

لایحه نظارت در حدود آب‌های سرحدی مملکت و منطقه نظارت دولت در ریاهای ایران که روز یکشنبه سوم تیر ۱۳۱۳ از سوی محمود جم وزیر داخله در هشت ماده تقدیم مجلس شورای ملی شده بود، روز یکشنبه بیست و چهارم تیر به تصویب رسید.

■ **فصل اول – حد آب‌های ساحلی و منطقه نظارت**

ماده اول – قسمتی از دریا که به فاصله شش میل بحری از سواحل ایران از حد پست‌ترین جزر و موازی با آن در طول سواحل ممتد می‌باشد آب‌ساحلی ایران محسوب و در این منطقه قسمت‌های واقع در زیر کف دریا و سطح و بالای آن متعلق به مملکت ایران می‌باشد به علاوه از لحاظ اجرای بعضی قوانین و قرار دادهای مربوط به امنیت و دفاع و منافع مملکت یا تأمین عبور و مرور بحری منطقه دیگری که منطقه نظارت بحری نامیده می‌شود و نسبت به آن دولت شاهشاهی دارای حق نظارت است تا مسافت دوازده میل بحری از حد پست‌ترین جزر و موازی با ساحل امتداد می‌یابد.

تبصره: میل بحری مساوی با ۱۸۵۲ متر است.

ماده دوم – راجع به خورها (خلیج‌های کوچک) حد آب ساحلی از خط مستقیمی شروع می‌شود که از منتهای نقطه یک طرف دهانه آن به منتهای نقطه طرف دیگر دهانه خلیج ممتد می‌شود و چنانچه عرض دهانه خلیج از ده میل بحری متجاوز باشد خط آب‌های ساحلی در نزدیک‌ترین قسمت اتصال خلیج به دریا که عرض آن از ده میل بحری تجاوز ننماید واقع خواهد بود. در مورد بنادر حد آب‌های ساحلی از خطی شروع می‌شود که بین جلوترین ساختمان‌های ثابت بندر در دریا واقع شده باشد.

ماده سوم – هر جزیره متعلق به ایران دارای آب‌های ساحلی مخصوص به خود خواهد بود که حدود آن مطابق ترتیب مذکور در ماده ۱ قسمت اول تعیین می‌شود. در مورد مجمع‌الجزایر جزایری که آن را تشکیل می‌دهند در حکم جزیره واحد محسوب می‌شود و مساحت آب‌های ساحلی مجمع‌الجزایر از جزایری محسوب می‌گردد که از همه دورتر از مرکز مجمع‌الجزایر واقع باشند.

■ **فصل دوم – شرایط دخول و توقف کشتی‌های جنگی خارجی در آب‌های ایران و ترتیبی که برای آنها مقرر است.**



ماده چهارم – کشتی‌های جنگی خارجی و تحت‌البحری‌ها به شرط آنکه در سطح دریا سیر کنند حق عبور بی‌ضرر از آب‌های ساحلی ایران را دارند مگر این که کشتی‌های مزبور متعلق به دول متحارب باشد. در این صورت مقررات مملکتی و بین‌المللی که برای ایام جنگ و احترام بیطرفی منظور است بموقع اجراء گذاشته می‌شود. شرایط عبور کشتی‌های جنگی که منظور قسمت اول این ماده است مخصوصاً از لحاظ تعیین عهده آنها به‌وسیله نظامنامه مخصوص معین خواهد شد.

ماده پنجم – شرایط توقف کشتی‌های جنگی خارجی در آب‌های ساحلی ایران نیز به وسیله نظامنامه مخصوصی معین خواهد شد. کشتی‌های مزبوره باید در آب‌هایی که منظور این قانون است قوانین و نظامات ایران را رعایت نمایند.

ماده ششم – دولت می‌تواند عبور یا توقف کشتی‌های جنگی را بنا به مصالح دفاع مملکت یا علل مهمه دیگر در بعضی از بنادر یا قسمت‌هایی از آب‌های ساحلی ممنوع بدارد. بنادر و قسمت‌های مزبوره به اسم مناطق ممنوعه نامیده می‌شود.

ماده هفتم – کشتی‌های جنگی خارجی به شرط معامله متقابله از عوارض بندری و عوارض نظیر آن معافیت دارند.

ماده هشتم – رسیدگی و تعقیب جنحه و جنایاتی که در کشتی‌های جنگی خارجی واقع می‌شود از صلاحیت مقامات ایرانی خارج است. حکم اعدام اشخاصی که به وسیله مقامات خارجی صادر شده باشد نمی‌تواند در آب‌های ساحلی و منطقه نظارت بحری ایران بموقع اجرا گذاشته شود.

روزنامه شفق سرخ – دوشنبه ۲۵ تیر ۱۳۱۳

# ایران

■ صفحه ۱۶ ■ سال بیست و ششم ■ شماره ۷۳۸۴ ■ شنبه ■ ۱۴ تیر ۱۳۹۹ ■ ۱۲ ذی‌القعده ۱۴۴۱ ■ ایران قرن هفده

ساختمان ۵۰۰هزار تومانی پست طهران

### افتتاح گیشه‌پست



قبل از ظهر روز جمعه بر حسب دعوتی که از طرف ریاست وزرا [محمد علی فروغی] به عمل آمده بود هیأت دولت و رجال و نمایندگان مجلس در سالون [سالن] بزرگ گیشه عمارت پست حضور بهم رسانیده و کارکنان پست و تلگراف از مدعوین پذیرایی می‌کردند.به یادگار افتتاح گیشه پستی کارت مخصوصی از طرف پست و تلگراف تهیه شده بود که یک طرف آن تصویر عمارت پست و زیر آن این عبارت (به یادگار گشایش طالار [اتالار]پست طهران) نوشته شده بود کارت‌های مزبور را بین مدعوین تقسیم کردند که به یادگار گشایش گیشه پست تسلیم گیشه‌نمایند.

آقای فروغی رئیس الوزرا با قیچی مخصوصی نوار سه رنگی را که در مدخل گیشه بسته بودند بریده و کارت خود را تسلیم گیشه کرده و سایر آقایان مدعوین هم هر یک کارت‌های خود را تسلیم و مراسم گشایش گیشه خاتمه یافت.عمارت پست مرکزی که در خیابان سپه واقع شده از عمارت های عالی و مهم طهران بوده که ساختمان آن در سال ۱۳۰۷ شروع و بواسطه کارهای جزئی داخلی و تزئینات سالون و کار گذاردن گیشه‌ها تا اسمال (۱۳۱۳) طول کشیده و روی هم رفته پنج میلیون ریال خرج ساختمان آن شده است. عمارت مزبور در سه طبقه است به دو قسمت تقسیم شده که یک قسمت آن اختصاص به گمرک طهران داشته و قسمت دیگر تعلق به پست مرکزی و سالون گیشه مقابل در بزرگ مدخل قرار گرفته است.

روزنامه کوشش – یکشنبه ۷مرداد۱۳۱۳

### تأسیس آژانس پارس

خبرگزاری پارس روز ۲۰ مرداد سال ۱۳۱۳ با نام آژانس پارس به ریاست عبدالله انظام در وزارت امور خارجه تأسیس شد تاخیر مملکتی را گردآوری کرده و از طریق رسانه‌های گروهی در دسترس مردم قراردهد. «آژانس پارس امروز رسماًافتاح گردید.

از این تاریخ به بعد وقایع و حوادث ممالک دنیا که توسط آژانس های خارجه واصل می گردد، آژانس پارس واسطه رساندن این حوادث و وقایع به ما و بالتلیجه به خوانندگان

محترم جراید خواهد بود.وظیفه ثانی آژانس پارس یعنی انتشاراطلاعات داخلی مملکت شاهنشاهی ایران از نظر اوضاع و احوال امروزه مملکت و مقتضیات عصر دنیای متمدن کمتر از وظیفه اولی آن یعنی انتشار وقایع دنیا برای اطلاع ما نمی باشد... اهمیت آژانس پارس نه از این نظر است که تصور شود سرویس تبلیغات خواهد بود یا آنکه دارا بودن سرویس تبلیغات چنانکه ممالک متمدنه پست وزارت آن را ادارا هستند در عرف امروزه دنیا جایز و حتی واجب می باشد، بلکه از این نظر است که معلومات صحیحه اطلاعاتی که مقرون به حقیقت باشد از اوضاع و احوال این مملکت در معرض افکارعمومی دنیا گذارده شود...» (۱)

آژانس پارس در ابتدای تأسیس با یک کادر کوچک و عده‌ای معدود کار خود را آغاز کرد و صبح و عصر باانتشار دو بولتن به زبان‌های فارسی و فرانسه، اخبار ایران» را در اختیار مقامات مملکتی و خبرگزاری‌های خارجی و روزنامه‌ها قرار می‌داد. آژانس پارس در بدو شروع به کار با خبرگزاری آناتولی ترکیه قرارداد بسته و به محابره خبرهای ایران به آن کشور پرداخت. بدین ترتیب این آژانس در مدت شش سال یکی از ادارات تابع وزارت امور خارجه بود. در اردیبهشت سال ۱۳۱۹ اداره کل تبلیغات تأسیس شد و در مرداد همین سال خبرگزاری پارس به تابعیت اداره کل تبلیغات درآمد، این خبرگزاری در آن زمان اخبار را بوسیله تلگرافخانه‌مملکتی و ازادیوهای خارجی کسب و سپس منتشر می‌کرد، تا اینکه در سال ۱۳۲۳ برای اولین بار دستگاه مخابراتی جدیدی به نام «هل» برای گرفتن اخبار خبرگزاری روترز در خبرگزاری پارس به کار افتاد. اولین خبرگزاری بین‌المللی که اخبار آن مورد استفاده خبرگزاری پارس قرار گرفت، خبرگزاری فرانسه بود و سپس خبرگزاری پارس با خبرگزاری‌های مهم جهان مانند روترز – آسوشیتدپرس و یونایتدپرس مشترک شد. خبرگزاری پارس سرانجام در اسفند سال ۱۳۴۲ که وزارت اطلاعات تأسیس شد، در ردیف یکی از ادارات کل این وزارتخانه قرار گرفت و هم‌زمان با پیشرفت‌های همه‌جانبه‌دستگاه‌اتشاراتی و تبلیغاتی کشور، این خبرگزاری نیز توسعه یافت و در سال۱۳۵۴ به‌صورت یک سازمان مستقل زیر نظر وزارت اطلاعات و جهانگردی درآمد.

۱- روزنامه اطلاعات – ۲۰ شنبه مرداد ۱۳۱۳

نیمه اول  
۱۳۱۳



**لیلا ابراهیمیان/** «علی عراقی را تو کشته‌ای؟

بله من کشته‌ام. یک پسر ۱۴ ساله را در

مسجدشاه کشته‌ای؟ بله درست است. یک

پسر بچه به‌نام رحیمی در شترخوان سر

بریده‌ای؟ بله درست است. یک طفل ۱۴

ساله را بیرون دروازه شهرنو کشته‌ای؟ بله

کشته‌ام. احمد را شب به منزل بردی، سنگ به

شکمش بستی، تجاوز کردی و بعد او را سر

بریدی؟ بله. صریح اقرار می‌کنی که همه اینها

را کشته‌ای؟ بله همه اینها را کشته‌ام.»سحرگاه

ششم تیر ۱۳۱۳ اصغر قاتل را به میدان سپه

آوردند؛ چشمش که به جمعیت افتاد فریاد

زد: «گزار این وضعیت نجات پیدا کنم دو

گوسفند نذر می‌کنم.» به پای چوبه دار که

نزدیک می‌شد، توبه می‌کرد به ناله و فریاد؛

انتظار نداشت اعدامش کنند. می‌گفت:

«من یک‌عده بی‌سروپا را کشته‌ام؟ آنها

آدم حسابی نبودند که می‌خواهند به‌خاطر

مرگشان مرا اعدام کنند.»

در مدت دو ماه و نیم، ۸ نوجوان را می‌کشد؛

قبلاً هم ۲۵ نفر را کشته بوده؛ قبل از اینکه

از عراق به ایران متواری شود. قربانیانش

کودکان و نوجوان‌های ۱۰ تا ۱۵ ساله بودند. خبر کارهایش که به رضاشاه

رسید، خواست اصغرقاتل را به نزدش بیاورد؛ رضاشاه از او پرسید تو چرا آدم

می‌کشی؟ و اصغر در جوابش گفت: «اینها فاسد بودند و من آنها را کشتم.» شاه

تشر می‌زند مگر فقط فاسد در ایران است، جای دیگر وجود ندارد؟ اصغر پاسخ

می‌دهد: «در جای دیگر هم فاسدها را از بین بردم و در عراق ۲۵نفر را کشتم.»

شاه خشمگین می‌شود و به رئیس‌پلیس دستور می‌دهد او را برید و بکشد.

بعدها اصغر قاتل رو به رئیس دادگاه می‌گوید: «اینها یک عده بی‌پدر و مادر

هستند، بی‌سروپا و خوشگل‌اند. وقتی که ریش آنها در آمد، دزدی می‌کنند. من

با اینها دشمنی دارم. اینها دشمن مملکت هستند. به این جهت آنها را کشته‌ام. من

در خارجه که بودم از اینها خیلی بودند و خیلی از آنها را کشتم. اینجا هم که

آمدم، دیدم در اینجا هم هستند و آنها را می‌کشتم.»

علی اصغر بروجردی، متولد ۱۲۷۲؛ شاید روزی که در محله دول‌لاجان تهران

به دنیا آمد پدرش در راه مشهد به کاروانی حمله برده بود برای راهزنی،

پدربزرگش هم راهزن بود. او قد می‌کشد در محله دول‌لاجان که زمانی به

خانه‌های اصابتی، باغ‌ها، مراسم روضه‌خوانی، تعه به گردانی و زیارت‌نامه‌خوانی

معروف بود؛ پدر را که تیرباران می‌کنند مادر تصمیم می‌گیرد به همراه دختر

و سه پسرش رضا، تقی و علی‌اصغر به زیارت کربلا برود تا شاید پسرها به راه

پدر نروند؛ به آنها می‌گفت پدرتان سرباز بود و کشته شد. او بچه‌ها را از کربلا

بعاد می‌برد؛ پسر بزرگ در بغداد قهوه خانهای دایر می‌کند و اصغر کنار او

مشغول به کار می‌شود، روزی چهار روپیه دستمزدش بود اما به این کار راضی

نمی‌شد. می‌خواست در کنار مدرسه‌های پسرانه و مساجد آجیل و بامیه بفروشد.

حکم اعدام علی اصغر بروجردی قاتل که از محکمه عالی جنایی صادر و در دیوان تمیز ابرام شده بود، دیروز بموقع اجرا گذاشته شد.اشخاصی که در اواخر شب چهارشنبه و یکی دو ساعت بعد از نصف شب از میدان سپه[توپخانه] عبور کردند، مشاهده نمودند که عده زیادی قبل از وقت برای تماشای اعدام علی اصغر در میدان سپه حاضر شده بودند که صبح از حیث تهیه جا در زحمت نباشند.ساعت پنج بعد از نصف شب روز چهارشنبه، آقای سیاسی مدعی العموم

استیناف، آقای شهیدی مدیر دفتر استیناف، آقای دکتر فلاتی و دکتر شهریار

اطبای قانونی در محبس نظمیه حضور بهم رسانده و باحضور آقایان رئیس پلیس

و رئیس اداره محبس و سرهنگ سرداری، حکم اعدام را مطابق مقررات به جانی

مذکور، ابلاغ نمودند.در این موقع جمعیت کثیر تماشاچی در میدان سپه موج

می‌زد، صفوف مختلفه زن و مرد از جلوی عمارت نظمیه، مقابل بلدیه و وزارت

پست و تلگراف برای دیدن اجرای حکم اعدام حاضر شده و به‌طوری جمعیت

متراکم شده بود که عبور و مرور نقلیه موقتاً تعطیل شده و مردم برای تماشای روی

سقف اتوبوس‌ها رفته بودند.قبل از اینکه اصغر از حبس خارج شود به او گفته

شده تقاضایی دارد یا نه؟ چون انجام تقاضای او که دیدن مادر و خاله‌اش بود،

بواسطه اینکه مادرش در بغداد و خاله‌اش در بروجرد بود و انجام تقاضای اصغر

اجرای حکم را به تعویق انداخته و مخالف مقررات بود، لذا به او گفتند انجام این

تقاضا ممکن نیست و اگر تقاضای دیگری دارد، بنماید. اصغر دیگر تقاضایی

نداشت و از توقیفگاه خارج‌ش کرده برای اجرای حکم به پای دار آوردند. اصغر

زیمنس

کلیه لوازم الکتریکی خود را

ساخت زیمنس بخیرید زیرا

زیمنس فقط جنس خوب و

محکم می‌سازد. فروش جزئی در

مغازهای مهم و مراکز برق نماینده

انحصاری: برادران شاهرخ،

خیابان ناصریه تلفن ۳۲۶۵

# اصغر قاتل دوی چوبه دار

نخستین بار چهارده سالش بود که به‌دلیل کودک‌آزاری به زندان بغداد رفت. کم سن و سال بود و همین باعث شد از زندان آزاد شود. مدتی بعد از آزار پنج کودک توسط اوخبر دادند و بار دیگر حکم ۹ سال زندان گرفت؛ در زندان بود که تصمیم گرفت بعد از تجاوز به طعمه‌های خود، آنها را سر به نیست کند؛ این را خود گفته است. «شط» هم این جنایت را در خود پنهان می‌کرد تا اینکه روزی کودک‌کی شاهد اعمالش می‌شود و همین باعث فرارش به ایران بود. به کاروانسرای رضاخان در تهران می‌رود و در آنجا مشغول به دوره‌گردی و بامیه‌فروشی می‌شود. اینجا بیشتر بچه‌ها شهرستانی بودند و در پی کاری به تهران آمده بودند. اصغر بار دیگر شغل بامیه‌فروشی را انتخاب می‌کند و راهی کوچه‌ها می‌شود تا طبق خود را جلوی بچه‌ها باز کند برای عرضه شیرینی. طعمه‌اش را از این راه پیدا می‌کند و بعد آنها را در خرابه‌های شترخان، چاه‌های قنات اطراف تهران و جنوب شرقی تهران رها می‌کند.

روزی مادر تصمیم می‌گیرد برای اصغر زن

بگیرد، با پسر بزرگ مشورت می‌کند ولی او راضی نمی‌شود. مادر می‌گوید

«زن بگیرد سر به‌راه خواهد شد.» اما اصغر چنان فریاد می‌زند به اعتراض، که

زن نمی‌خواهد؛ حرف هم به لب مادر خشک می‌شود. حالا آوازهاش در

شهر پیچیده؛ روزی پلیس عراق در گزارشی به ایران از جنایت‌های مردی

می‌گوید که ۲۵ نفر را آزار و اذیت کرده و به ایران فرار کرده است. ولوله

به جان شهر می‌افتد. همه از او می‌گفتند و دو ماه بعد از بازگشتش به تهران،

اداره تأمینات ششت جسد پیدا می‌کند در اطراف قنات امین و قلعه دولت‌آباد؛

همه نوجوان بودند. مرگ بر سر تهران سایه انداخته بود و او طبق بامیه بر سر

در کوچه‌های شهر پرسه می‌زد تا اینکه یک روز در زمستان، به اطراف قنات

امین آباد می‌رود؛ همان زمان پلیس هم در چاهی جسد جوانی را پیدا کرده بود.

به او ظنین نمی‌شوند اگرچه استنتاجش می‌کنند. خیلی در دست دارد؛ در حلب

که بازمی‌شود لباس و کارد خونی را می‌بینند. روز پنجشنبه دهف اسفندماه ۱۳۱۲

است. سردار تیمورخان مفتش دستبند به دستش می‌زند. شاید همان لحظه اصغر

تصویر ۳۳ نوجوان تهرانی و بغدادی را در جلوی چشم خود می‌بیند؛ مردی

چهل و هفت، هشت ساله، با صورتی استخوانی و پهن، دماغی بزرگ که بیشتر

از هر چیزی به صورتش دیده می‌شود و چشم‌های خشمگین که مدام دو دو

می‌زند بر آن چهره یخ‌زده و قلبی پر از نفرت. به زندان قصر منتقل می‌شود؛ در

طول چهار ماهی که در زندان قصر بود مرگ را از خود دور می‌دید و غیرقابل

بساور. تا اینکه چهار ماه بعد از دستگیری‌اش در اوایل تیرماه ۱۳۱۳ دادگاهی

می‌شود و فردادی آن روز روزنامه از قولش می‌نویسند: «من قصدم این بود که

نسل آنها را براندازم.»

#### مراسم اعدام اصغر قاتل

اظهار می‌داشت چرا مرا می‌کشید من که سید را نکشته‌ام برای چند بچه ولگرد چرا می‌خواهید مرا بکشید؟ در موقع ادای این کلمات هنوز حالت عادی خود را حفظ نموده ولی پس از اینکه وارد میدان شد و چشمش به اتوبه جمعیت افتاد و مجازات کرده‌های خود را پیش چشم دید، حالتش تغییر نموده و بنای تضرع گذاشت. موجدی که در تمام مدت عمر بویی از ترحم و غفر به مشامش نرسیده بود، اینسک در مقابل منظره مرگ تقاضای عفو می‌کرد و می‌گفت اگر از این حادثه خلاص بشوم دو گوسفند نذر کرده‌ام که بروم در حضرت عبد‌العظیم[ع] بکشم.مردم برای دیدن او هجوم آوردند ولی افراد پلیس سواره و پیاده انتظامات را کاملاً حفظ می‌نمودند. اصغر به نزدیک چوبه دار، روبروی تابلوی کوچکی که نوشته شده بود (اعدام علی اصغر قاتل) ایستاد.اصغر به چهارپایه نزدیک شد، حکم محکومیت مشارالیه مطابق تشریفات قانونی قرائت گردید. به او گفته شد که بالای چهارپایه برود، بالا رفت. طاب را گردنش انداخته بالا کشیدند، تقریباً ده دقیقه دست و پا زد و بعد جان داد. جمعیت تماشاچی تا ساعت ۸م در میدان بودند و هر دم از اطراف شهر به تماشای مجازات اصغر می‌آمدند.

جنازه جنايتكار مذکور از ساعت ۶ تا ۸ صبح در بالای دار بود و به قدری احساسات نفرت آمیز از طرف جمعیت تماشاچی از زن و مرد بروز داده می‌شد که حد نداشت. در موقع پایین آوردن جنازه صدای کف زدن مردم تمام محوطه میدان سپه را گرفته و انتظامات کاملاً برقرار بود.

روزنامه کوشش – پنجشنبه ۷ تیر ۱۳۱۳

**۲۲ شهریور**

فرمانده کل نیروهای هند شرقی در نامه‌ای به فرماندهی نیروی دریایی بریتانیا خواستار جلوگیری از هرگونه تجاوز ایران به جزایر تنب و ابوموسی شد.



**۴ شهریور**

باقر کاظمی به منظور پاسخگویی به شکایات و ادعاهای مرزی عراق در «جامعه ملل» در رأس هیأتی رهسپار ژنو شد.

**۱ شهریور**

حسین علاء وزیر مختار ایران در لندن شد.

**۱۷ شهریور**

وزارت خارجه انگلیس در یادداشتی به وزارت خارجه ایران تصریح کرد «امتناع دولت ایران از شناسایی حقوق بریتانیا به هیچ وجه مانع از آن نخواهد شد که این کشور وظایف خود را در قبال حکام عرب فراموش کند»

۱۳۱۳  
فروردین  
1934

گردآوری: محمد گرشاسبی

۱۳۱۳  
۱934

**۳ خرداد**

وزیر امور خارجه ایران اعلام کرد امتیازی که انگلیسی‌ها در ۱۳۰۹ برای استخراج نفت بحرین کسب کرده و تاکنون از آن بهره‌برداری کرده‌اند، غیرقانونی و بدون اراده دولت ایران صورت گرفته است.

**۵ خرداد**

در پی واگذاری امتیاز اکتشاف، استخراج و بهره‌برداری از نفت بحرین به یک شرکت آمریکایی از سوی دولت انگلیس، ایران با تسلیم شکایتی به جامعه ملل، صدور امتیاز نفت را بدون اطلاع دولت ایران دانست و حاکمیت ایران بر مجمع الجزایری بحرین را امری بدیهی و روشن عنوان کرد.

**۸ خرداد**

لایحه اجازه تأسیس دانشگاه در تهران به تصویب مجلس شورای ملی رسید.

**۱۲ خرداد**

رضاشاه تنها مسافرت خارجی خود را به ترکیه آغاز کرد. این سفر یک ماهه، انگیزه‌های رضاشاه را برای تغییرات فرهنگی در ایران، شبیه آنچه آتاترک در کشورش ایجاد کرده بود، تقویت کرد.